

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱، بهار ۱۳۹۷

شناسایی موانع توسعه کار آفرینی سبز در بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه

بیژن رضایی^۱، هدا نجف پور^۲، دانیال کهریزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۰

چکیده

کار آفرینی سبز فرایند ایجاد دگرگونی در تجارت و زیرساخت‌هاست به گونه‌ای که بر پایه حفظ محیط زیست و رعایت استانداردها، سرمایه‌گذاری پایدار و توسعه اقتصادی رونق بهتری می‌یابد. روش تحقیق حاضر توصیفی - پیمایشی و جامعه آماری آن شامل ۳۸۰ نفر از کلیه کارشناسان مراکز جهاد کشاورزی، سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی در شهرستان کرمانشاه و متخصصان کشاورزی در زمینه تولید محصولات ارگانیک بوده است. براساس جدول کرجسی - مورگان، تعداد ۱۸۱ نفر از جامعه آماری برای انجام تحقیق انتخاب شدند. نتایج مربوط به تحلیل عاملی نشان داد که در مجموع حدود ۵۴/۳۴۹ درصد واریانس موانع

۱. استادیار گروه مدیریت و کار آفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

rezae61@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد کار آفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

۳. دانشیار گروه اصلاح و نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

توسعه کارآفرینی سبز در کشاورزی شهرستان کرمانشاه را به ترتیب اهمیت چهار عامل موانع زیرساختی، موانع اقتصادی، موانع فنی - مدیریتی و موانع ترویجی - آموزشی تبیین می کنند. از دیدگاه کارشناسان، موانع زیرساختی مهم ترین مانع توسعه کارآفرینی سبز است، لذا با اصلاح و تعدیل مقررات و ساختار سازمانی و حرکت به سمت ساختارهای سازمانی با مشارکت کارشناسان و متخصصان کشاورزی می توان زمینه بروز رفتارهای کارآفرینی از سوی کشاورزان را فراهم کرد.

طبقه بندی JEL: Q10، Q16، Q56

کلیدواژه ها: کارآفرینی سبز، کسب و کار پایدار، توسعه کشاورزی، کرمانشاه

مقدمه

تا قبل از دهه هفتاد میلادی، پژوهشگران اقتصادی، صرفاً بر این باور بودند که کارآفرینان افرادی هستند که با خطرپذیری، اقدام به نوآوری کرده و با این کار روشها و راه حل های جدید جایگزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبل می شود. در این برهه زمانی تأکید صرف بر استفاده بیش از حد کودهای شیمیایی و به کارگیری بی رویه آفت کش های شیمیایی به منظور افزایش سود و میزان تولید بود (۱۵). به کارگیری این شیوه تولید، منجر به پیامدهای ناگواری برای بخش کشاورزی گردید. همین امر سبب شد تا در دهه هفتاد میلادی این ذهنیت در افکار سیاست گذاران و برنامه ریزان توسعه مطرح شود که این گونه روند رشد اقتصادی در نهایت منجر به تخریب محیط زیست، نابرابری اجتماعی، کاهش منابع و غیره می شود و جبران این معضلات در بلندمدت موجب ضررهای فراوان اقتصادی خواهد شد (۸).

در پی چنین شرایطی، برنامه ریزان و توسعه گران به دنبال یافتن راه حل های خروج از این بحران رفتند که یکی از مهم ترین آنها استفاده از ملزومات کارآفرینی سبز در کشاورزی به جای کشاورزی تجاری مبتنی بر سود بود. این نوع کشاورزی اهداف توسعه پایدار کشاورزی

شناسایی موانع توسعه

را دنبال می‌کند و منجر به کاهش مصرف نهاده‌های غیر طبیعی، کود و سموم شیمیایی و غیره می‌شود (۱۳). سازمان بین‌المللی کار و برنامه محیط زیست ملل متحد کسب و کار سبز را چنین تعریف کرده‌اند: «فرصت‌های شغلی در کشاورزی، صنعت کارخانه‌ای، ساخت و ساز، تأسیسات، تعمیر و نگهداری و فعالیت‌های علمی و فنی، مدیریتی و خدماتی که به طور اساسی در حفاظت و احیای محیط زیست نقش دارند» (۴). همچنین کوهن (۱) کارآفرینی سبز را به عنوان عمل شروع کسب و کار جدید در پاسخ به یک فرصت شناخته شده برای دستیابی به سود و ایجاد (حداقل‌سازی) اثر جانبی زیست محیطی مثبت (منفی) پیشنهاد کرد. با توجه به اینکه در خصوص کارآفرینی سبز، اهمیت آن و چگونگی شکل‌گیری، تحقیقات زیادی توسط محققان خارجی و داخلی صورت گرفته اما تحقیقی متمرکز بر شناسایی موانع توسعه کارآفرینی سبز تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است.

در تحقیق کوباتا (۱۰) با عنوان "بررسی ادبیات اشتغال سبز"، راهکارهای توسعه کارآفرینی سبز (شامل: همکاری وزارتخانه‌ها، تدوین برنامه‌های عملیاتی، اختصاص بودجه مناسب به کسب و کارهای سبز، برنامه‌های آموزشی، ایجاد تعاونی‌ها و صندوق‌های حمایتی مردمی) ارائه و بر بازار برای کنترل تقاضا تمرکز شد.

مهدی‌پور (۱۴) در پژوهشی تحت عنوان "شناسایی عوامل کلیدی توسعه مشاغل سبز بر اساس تجارب کشورهای ممتاز"، مواردی همچون سرمایه‌گذاری‌های دولتی، تسهیل توسعه زیرساخت‌ها برای توسعه اقتصاد سبز، تمرکز بر دانش انباشته و مهارت‌های مورد نیاز برای توسعه مشاغل سبز، شبکه‌سازی مشاغل سبز و استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، وضع تعرفه‌های گمرکی پایین‌تر برای محصولات سبز، استراتژی منسجم توسعه سبز، تمرکز روی بازار برای کنترل تقاضا به جای عرضه، حوزه بندی فعالیت‌های سبز، هویت بخشی به کارکنان مشاغل سبز را از جمله عوامل مؤثر بر پیشرفت کارآفرینی سبز معرفی کرد.

ریموند و همکارانش (۲۱) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که ناتوانی محیط کسب و کار برای توسعه کارآفرینی، فقدان برنامه‌های آگاه‌سازی، کمبود خط‌مشی‌ها و قوانین مورد

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

نیاز برای دستیابی به اهداف طرح و افزایش بوروکراسی اداری از جمله موانع ایجاد کسب و کارهای سبز و توسعه آنها در کشور می‌باشد.

نیکولاوا و همکاران (۱۸) در پژوهشی پنج نقص عمده در بازار را شناسایی کردند که باعث ایجاد مشکلات محیط زیستی شده است: کالاهای عمومی، آثار خارجی، مشکلات ترافیک و تردد، و آلودگی محیط زیست. این عوامل باعث کاهش رفاه مردم و افزایش هزینه صاحبان واحدهای تولیدی جهت رعایت استانداردهای محیط زیستی شده است (قدرت انحصاری فروش، مداخله نامناسب دولتی و اطلاعات ناقص).

پلونسکی و روزنبرگ (۲۰) در پژوهش خود با عنوان «ارزیابی مجدد بازاریابی سبز» عواملی مثل حفاظت از محیط زیست، کارایی بیشتر منابع، صرفه‌جویی مالی، کاهش زباله و آلودگی، فشارهای درونی و بیرونی، مدیریت هزینه، مزیت رقابتی، و تصویر مثبت از شرکت را مؤثر بر توسعه کسب و کار سبز نام بردند.

شفیعی رود پستی و همکاران (۲۳) در پژوهش خود بحران انرژی، بهبود فرایندهای طراحی و تولید، کاهش هزینه، کسب بازارهای صادراتی، خلاقیت و نوآوری، حفظ محیط زیست، ایمنی بیشتر و استانداردسازی را جزء عوامل مؤثر بر توسعه عنوان کردند.

خالدی و امجدی (۶) در مطالعه خود نشان دادند که برخلاف اغلب روش‌ها و فناوری‌های نوین، عوامل اقتصادی به تنهایی نقش اساسی در فرایند پذیرش و توسعه کشاورزی ارگانیک ندارند بلکه برای توسعه کشاورزی ارگانیک لازم است نقش سایر عوامل مانند: آگاهی و اطلاعات، گرایش و تمایلات فردی و مهارت‌های فنی، تکنولوژی و مدیریتی، مسائل اجتماعی، عوامل نهادی همچون قوانین و مقررات، بازارها و حمایت‌های دولتی مورد توجه جدی دولت‌ها و سیاست‌گذاران قرار گیرند.

نادعلی و رنجبر (۱۶) فقدان دانش و مهارت لازم برای مدیریت مزرعه، فقدان بازار فروش، عدم اطمینان از درآمد اقتصادی مناسب، پیچیدگی فرایند تولید، نیاز به کارگر بیشتر، کنترل آفات و علف‌های هرز، دشواری گواهی نمودن محصولات ارگانیک، نیاز به

شناسایی موانع توسعه

سرمایه‌گذاری مالی بیشتر و شرایط سخت مدیریت مزرعه بدون کاربرد کودهای شیمیایی را مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی کشاورزان ایرانی در تولید محصولات ارگانیک نام بردند.

نتایج مطالعه سمائی (۲۲) نشان داد که عدم تفاوت قیمت بین محصولات سبز و غیر سبز در کشاورزی، کاهش عملکرد محصولات بر اثر عدم مصرف کودهای شیمیایی و سایر مواد مؤثر در افزایش عملکرد، کاهش استقبال کشاورزان، و بروز مشکلات مربوط به بیماری و علف‌های هرز در سال‌های اولیه کشت محصولات سبز مهم‌ترین مشکلات مربوط به تولیدکنندگان را در این راستا تشکیل می‌دهند.

مطالعات انجام شده در این زمینه نمایانگر آن است که روند استقبال جهانی (به خصوص در کشورهای توسعه یافته) از کارآفرینی سبز امید بخش می‌باشد؛ البته علاوه بر مزایای زیست محیطی و اقتصادی، کارآفرینی سبز از لحاظ اجتماعی نیز منافع زیادی به همراه دارد از جمله به دلیل استفاده از نهاده‌های ارزان و غیروارداتی و نیز تکیه بیشتر به نیروی کار، فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهد. همچنین کارآفرینی سبز شیوه‌ها و غذاهای سنتی را احیا می‌کند و در تقویت انسجام اجتماعی نقش مؤثری دارد. از این رو بررسی موانع و چالش‌ها، چگونگی مقابله با این مشکلات و تغییر و اصلاح راهبردهای توسعه با هدف مدیریت پایدار منابع تولید، اصلاح روش‌های مدیریت تولید براساس شرایط اکوسیستم، بهره‌وری تولید، امنیت و سلامت غذا در قالب کلی توسعه پایدار کشاورزی تعریف شده اند.

با توجه به مطالب فوق، استان کرمانشاه ظرفیت اجرای استانداردهای کارآفرینی سبز در کشاورزی به صورت زراعی و باغی را دارد. استان کرمانشاه به جهت داشتن مدیریت صحیح و مناسب خاک و گیاهان زراعی برای تطبیق در شرایط مزرعه و کمک در راستای رسیدن به توسعه پایدار، بیشترین میزان اجرای توسعه کارآفرینی سبز را در سطح کشور داشته و اولین اقدامات تحقیقی و آزمایشی در این زمینه در کرمانشاه انجام شده (۵)، لذا در این تحقیق سعی شده که موانع توسعه کارآفرینی سبز در حیطه کشاورزی شناسایی و راهکارهای مؤثر در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد تا در گسترش و بالا بردن فرهنگ کارآفرینی سبز و مصرف

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

محصولات سبز مؤثر باشد و نقش بسزایی ایفا کند. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخی منطقی و مستدل به این سؤال است: موانع و چالش‌های توسعه کارآفرینی سبز در حیطه کشاورزی کدام‌اند؟

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به شیوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان جهاد کشاورزی، سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی در شهرستان کرمانشاه و متخصصین کشاورزی در زمینه تولید محصولات ارگانیک در سال ۱۳۹۵ می‌باشد (۳۸۰ نفر) که بر اساس جدول کرجسی-مورگان (۲۰۰۹)، تعداد ۱۸۱ نفر از آنها برای انجام تحقیق انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته بود که روایی آن بر اساس نظرات برخی از اساتید دانشگاه رازی تأیید گردید. به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد (پایایی) قسمت کمی پرسش‌نامه، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، نمونه اولیه‌ای شامل ۲۰ پرسش‌نامه، پیش‌آزمون شد و سپس با استفاده از داده‌های آن، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ برای این ابزار محاسبه شد که عدد ۰/۹۱ به دست آمد که نشان از پایایی پرسش‌نامه داشت. این پرسش‌نامه از دو بخش ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان و دیدگاه پاسخگویان مورد مطالعه در زمینه شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی (شامل ۲۳ متغیر) تشکیل شده است.

جهت تدوین بخش دوم پرسش‌نامه، به منظور شناسایی و دسته‌بندی گویه‌ها، ابتدا با توجه به موانع توسعه کارآفرینی سبز، سوابق نظری و تجربی مرتبط و همچنین با الهام از موانع ایجاد کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی و نظرخواهی از صاحب‌نظران و انجام مطالعات اکتشافی تعداد ۳۷ مانع شناسایی شد. سپس با استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان خبره در حوزه کشاورزی، موانع تکراری و مشابه دسته‌بندی و سرانجام همه این موانع در ۲۳ مورد

شناسایی موانع توسعه

خلاصه گردید. سپس در قالب یک پرسش نامه مبتنی بر طیف ۵ ارزشی لیکرت (از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) از پاسخگویان خواسته شد تا اعلام کنند تا چه اندازه آن عامل از نظر آنها بازدارنده توسعه کارآفرینی در بخش کشاورزی می باشد. آنگاه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی موانع دسته بندی گردید. به این منظور برای ارزشیابی ماتریس همبستگی و تشخیص مناسب بودن داده ها برای تحلیل عاملی از دو شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. سپس با استفاده از تحلیل مؤلفه های اصلی، موانع توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه کشاورزی طبقه بندی شد تا تأثیر آنها بر توسعه کارآفرینی سبز سنجیده شود.

داده های حاصل از پرسش نامه به وسیله نرم افزار Spss22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در بخش آمار توصیفی از توزیع فراوانی، درصد، میانگین و در بخش آمار استنباطی از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید.

در روش تحلیل عاملی اکتشافی، محقق درصد کشف ساختار زیربنایی مجموعه نسبتاً بزرگی از متغیرها بدون وجود هیچ تئوری اولیه ای است. هر متغیری ممکن است با هر عاملی ارتباط داشته باشد. با توجه به اینکه یکی از اهداف تحلیل عاملی اکتشافی، تبیین ماتریس همبستگی با تعداد اندکی از عامل هاست، صرفاً عامل هایی استخراج می شوند که بیشترین مقدار واریانس را تبیین می کنند (۹).

نتایج و بحث

بررسی نتایج حاصل از ویژگی های فردی پاسخگویان نشان داد که ۱۷/۶۷ درصد کارشناسان زیر ۳۰ سال، ۴۵/۳۰ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۶/۵۲ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۰/۵۱ درصد بیش از ۵۰ سال سن دارند و ۷۵/۱۴ درصد از پاسخگویان را مرد و ۲۴/۸۶ درصد از آنها را زنان تشکیل می دهند. از میان افراد مورد مطالعه ۷۱/۲۷ درصد از کارکنان و کارشناسان مورد مطالعه مربوط به جهاد کشاورزی کرمانشاه، ۱۲/۷۱ درصد از سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی و ۱۶/۰۲ درصد از اعضای انجمن تولیدکنندگان ارگانیک هستند.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

همچنین ۵۳/۰۳ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس و زیر لیسانس، ۲۹/۸۴ درصد از آنان دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۱۷/۱۳ درصد دارای تحصیلات دکتری می‌باشند. با این تفاسیر بیشتر پاسخگویان دارای مدرک لیسانس و زیر لیسانس هستند.

اولین مرحله در انجام روش تحلیل عاملی بررسی امکان استفاده از روش مذکور برای متغیرها و داده‌های مورد مطالعه می‌باشد؛ به عبارت دیگر، در این مرحله، رضایت بخش بودن تحلیل عاملی بررسی شد. جهت تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی به طور معمول از دو آزمون^۴ KMO و بارتلت^۵ استفاده شد. جدول ۱ نتایج دو آزمون فوق را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از نتایج جدول فوق مشخص است، آماره آزمون KMO برابر با ۵۴/۳۴ درصد است که با توجه به کوچکتر بودن آن از ۰/۷ و بزرگتر بودن آن از ۰/۵ می‌توان با احتیاط به انجام تحلیل عاملی پرداخت. با این حال، نتایج آزمون بارتلت در سطح معنیداری یک درصد معنی‌دار است و بر این اساس این فرضیه را که متغیرها با هم رابطه ندارند رد می‌نماید. با توجه به جدول ۱ مشخص است داده‌ها شرایط نسبتاً مناسبی را برای استفاده در روش تحلیل عاملی اکتشافی دارند.

جدول ۱. نتایج آماره KMO و آزمون بارتلت

مجموعه مورد تحلیل	آماره KMO	مقدار بارتلت	سطح معنی‌داری
موانع توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی	۴۵/۳۴۹	۱۸۳۲/۸۰۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این مرحله مشخصه آماری اولیه توسط روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی اجرا گردید و تمامی مقادیر مرتبط با همبستگی متغیرها با کل آزمون بالاتر از ۰/۵ به دست آمد که به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج گردیدند. موانع استخراج شده از تحلیل عاملی همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۲ ارائه شده است. به منظور

4. Kaiser-Meyer-Olkin

5. Bartlett Test

شناسایی موانع توسعه

استخراج و اولویت‌بندی عامل‌ها، از معیار مقدار پیشین استفاده و عامل‌هایی انتخاب شد که مقدار ویژه آنها از یک بزرگ‌تر بود. با توجه به جدول ۲، چهار عامل استخراج شده در مجموع ۵۴/۳۴۹ درصد واریانس کل را تبیین کردند که نشان‌دهنده میزان بالای واریانس تبیین شده توسط عوامل است.

جدول ۲. عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد

واریانس تجمعی			
عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۸/۹۳۸	۳۸/۸۶۱	۳۸/۸۶۱
عامل دوم	۱/۳۱۴	۵/۷۱۳	۴۴/۵۷۴
عامل سوم	۱/۱۸۹	۵/۱۷۰	۴۹/۷۴۴
عامل چهارم	۱/۰۵۹	۴/۶۰۵	۵۴/۳۴۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه، بعد از تجزیه واریانس عامل‌ها، در جدول ۳ متغیرهای بار شده بر عامل‌ها و میزان ضرایب به دست آمده از ماتریس دوران یافته نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود که ۷ متغیر روی عامل اول، ۴ متغیر روی عامل دوم، ۶ متغیر روی عامل سوم و ۶ متغیر روی عامل چهارم بار عاملی دارند.

عامل اول: مقدار ویژه عامل نخست برابر با ۸/۹۳۸ می‌باشد که این عامل توضیح دهنده حدود ۳۹ درصد واریانس متغیر موانع توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه بوده و تحت عنوان موانع زیرساختی نامگذاری شد. براساس نتایج حاصل از ماتریس دوران یافته عاملی، متغیرهای قرار گرفته در این عامل عبارت‌اند از: نبود سازمان یا شرکت مشخص برای نظارت و تأیید محصولات سبز (ارگانیک)، نبود مقررات و استانداردهای خاص برای کنترل محصولات سبز، وجود قوانین و نظارت‌های سخت‌گیرانه در فرایند کسب نشان محصولات سبز، عدم خرید تضمینی محصولات توسط دولت در سطح استان، نبود یا

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

محدودیت بازارهای مشخص برای فروش محصولات سبز، نبود چارچوب‌های نهادی مناسب برای حمایت از کارآفرینی سبز و عدم وجود سیستم‌های مکانیزه بسته بندی.

عامل دوم: این عامل تبیین کننده ۵/۷۱۳ درصد کل واریانس متغیر موانع توسعه کارآفرینی سبز و مقدار ویژه آن برابر با ۱/۳۱۴ است. متغیرهای قرار گرفته در این عامل شامل دشواری تشخیص محصولات سبز از دیگر محصولات توسط مصرف کنندگان، عدم عرضه محصولات سبز با برندهای تجاری مشخص، عدم بسته‌بندی‌های مناسب برای محصولات سبز، پرداخت نکردن هزینه بیشتر توسط مشتری بابت خرید محصولات سبز، نیاز به هزینه بالای سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات سبز و شرایط نابرابری رقابت در بازار با سایر حوزه‌ها است. این عامل تحت عنوان موانع اقتصادی نام گذاری شد.

عامل سوم: این عامل حدود ۵/۱۷۰ درصد از کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی را تبیین می کند. مقدار ویژه این عامل برابر با ۱/۱۸۹ است. براساس نتایج، در این عامل متغیرهای مشکلات کنترل آفات و امراض محصولات به علت عدم استفاده از سموم شیمیایی، عدم تولید و عرضه کافی حشرات و موجودات مورد نیاز برای مبارزه بیولوژیک، تولید و عرضه ناکافی محصولات سبز به نسبت رشد جمعیت، نیاز به مدیریت و نگهداری بیشتر و مناسب‌تر نسبت به تولید محصولات سبز در کشاورزی، نداشتن مهارت و دانش فنی برای تولید محصولات سبز، در دسترس نبودن زمین‌های حاصلخیز و مناسب برای کشت محصولات سبز و کمبود نیروی کار ماهر قرار گرفته که تحت عنوان موانع فنی - مدیریتی نام گذاری گردید.

عامل چهارم: آخرین عامل شناسایی شده که دربردارنده متغیرهای پایین بودن سطح آگاهی و آشنایی مصرف کنندگان در مورد محصولات سبز، پایین بودن سطح دانش و اطلاعات کارشناسان کشاورزی در زمینه توسعه کارآفرینی سبز، عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه تولید و مصرف محصولات سبز و عدم آشنایی با فناوری تولید محصولات سالم می‌باشد، موانع ترویجی - آموزش نام گذاری شد. مقدار ویژه این عامل برابر با ۱/۰۵۹ به دست

شناسایی موانع توسعه

آمد که تبیین کننده ۴/۶۰۵ درصد کل واریانس موانع توسعه کارآفرینی سبز در کشاورزی شهرستان کرمانشاه است.

جدول ۳. متغیرهای مربوط به موانع توسعه و بار عاملی به دست آمده از ماتریس چرخش یافته

بار عاملی	متغیرها	عامل ها
۰/۶۸۴	نبود سازمان یا شرکت مشخص برای نظارت و تأیید محصولات سبز(ارگانیک)	عامل اول
۰/۶۱۵	نبود مقررات و استانداردهای خاص برای کنترل محصولات سبز	
۰/۵۹۲	وجود قوانین و نظارت های سخت گیرانه در فرایند کسب نشان محصولات سبز	
۰/۵۷۳	عدم خرید تضمینی محصولات توسط دولت در سطح استان	
۰/۵۴۱	نبود یا محدودیت بازارهای مشخص برای فروش محصولات سبز	
۰/۵۲۴	نبود چارچوب های نهادی مناسب برای حمایت از کارآفرینی سبز	
۰/۴۷۷	عدم وجود سیستم های مکانیزه بسته بندی	
۰/۶۱۶	دشواری تشخیص محصولات سبز از دیگر محصولات توسط مصرف کنندگان	عامل دوم
۰/۵۷۳	عدم عرضه محصولات سبز با برندهای تجاری مشخص	
۰/۵۶۰	عدم بسته بندی های مناسب برای محصولات سبز	
۰/۵۰۵	پرداخت نکردن هزینه بیشتر توسط مشتری بابت خرید محصولات سبز	
۰/۴۶۹	نیاز به هزینه بالای سرمایه گذاری برای تولید محصولات سبز	
۰/۴۷۷	شرایط نابرابری رقابت در بازار با سایر حوزه ها	عامل سوم
۰/۶۰۸	مشکلات کنترل آفات و امراض محصولات به علت عدم استفاده از سموم شیمیایی	
۰/۵۱۷	عدم تولید و عرضه کافی حشرات و موجودات مورد نیاز برای مبارزه بیولوژیک	
۰/۴۸۵	تولید و عرضه ناکافی محصولات سبز به نسبت رشد جمعیت	
۰/۴۸۳	نیاز به مدیریت و نگهداری بیشتر و مناسب تر نسبت به تولید محصولات سبز در کشاورزی	
۰/۴۷۳	نداشتن مهارت و دانش فنی برای تولید محصولات سبز	
۰/۴۵۱	در دسترس نبودن زمین های حاصلخیز و مناسب برای کشت محصولات سبز و کمبود نیروی کار ماهر	عامل چهارم
۰/۶۱۶	پایین بودن سطح آگاهی و آشنایی مصرف کنندگان در مورد محصولات سبز	
۰/۶۱۵	پایین بودن سطح دانش و اطلاعات کارشناسان کشاورزی در زمینه توسعه کارآفرینی سبز	
۰/۵۰۳	عدم اطلاع رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه تولید و مصرف محصولات سبز	
۰/۴۹۱	عدم آشنایی با فناوری تولید محصولات سالم	

مأخذ: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج ، رتبه عامل های مشخص شده با توجه به ماهیت متغیرهای بار شده بر آنها و درصد واریانس تجمعی آنها در جدول ۴ ارائه شده است.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

جدول ۴. رتبه عوامل استخراج شده براساس درصد واریانس عامل ها

عامل	درصد واریانس
موانع زیرساختی	۳۸/۸۶۱
موانع اقتصادی	۵/۷۱۳
موانع فنی - مدیریتی	۵/۱۷۰
موانع ترویجی - آموزشی	۴/۶۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج به دست آمده، موانع زیرساختی بیشترین تأثیر و اهمیت را داشته و در مجموع ۳۸/۸۶۱ از کل واریانس متغیرها را به خود اختصاص می‌دهد. درصد واریانس مقدار ویژه موانع اقتصادی ۵/۷۱۳ است و نشان می‌دهد که این عامل در مجموع ۵/۷۱۳ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کند. موانع فنی - مدیریتی و موانع ترویجی - آموزش نیز به ترتیب ۵/۱۷۰ و ۴/۶۰۵ درصد از واریانس کل متغیرها را به خود اختصاص می‌دهند و این موانع به ترتیب کمترین تأثیر را بر توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی شهرستان کرمانشاه دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق نشان داد که موانع زیرساختی در اولویت اول (موانع توسعه کارآفرینی سبز) قرار گرفته‌اند. در این عامل، نبود یا محدودیت بازارهای مشخص برای فروش محصولات سبز، نبود سازمان یا شرکت مشخص برای نظارت و تأیید محصولات سبز، عدم خرید تضمینی محصولات توسط دولت در سطح استان، نبود چارچوب‌های نهادی مناسب برای حمایت از کارآفرینی سبز، نبود مقررات و استانداردهای خاص برای کنترل محصولات سبز، وجود قوانین و نظارت‌های سخت‌گیرانه در فرایند کسب نشان محصولات سبز، نبود وسایل مورد نیاز و کافی برای حمل نقل و فروش محصولات تولید شده در بازارهای بزرگ‌تر و عدم وجود

شناسایی موانع توسعه

سیستم های مکانیزه بسته بندی را می توان در قالب موانع زیرساختی نام برد. نتایج تحقیقات نارایانان (۱۷)، نادعلی و رنجبر (۱۶)، لو و همکاران (۱۲) و خالدی و امجدی (۶ و ۷)، که اهمیت مسائل زیرساختی در توسعه کارآفرینی سبز در کشاورزی از جمله کشاورزی ارگانیک را مورد تأیید قرار داده اند این یافته را تأیید می کند.

در راستای محدودیت های اقتصادی در جهت توسعه کارآفرینی سبز می توان موانعی همچون دشواری تشخیص محصولات سبز از دیگر محصولات توسط مصرف کنندگان، عدم بسته بندی های مناسب محصولات سبز، عدم عرضه محصولات سبز با برندهای تجاری مشخص، پرداخت نکردن هزینه بیشتر برای خرید محصولات سبز، نیاز به هزینه بالای سرمایه گذاری برای تولید محصولات سبز، شرایط نابرابری رقابت با سایر حوزه ها، کاهش تولید و درآمد با کشت محصولات سبز و خریداری محصولات سبز توسط دلالان به قیمت پایین تر را نام برد. نتایج مطالعه خالدی و امجدی (۶) با نتایج به دست آمده در این بخش همخوانی دارد و عوامل اقتصادی را مشوقی برای کارآفرینان جهت سرمایه گذاری در محصولات، کالاها و خدمات جدید معرفی کرده اند.

یکی دیگر از موانع توسعه کارآفرینی سبز در کشاورزی، موانع فنی و مدیریتی می باشد. دی بوک و همکاران (۳) در مطالعه خود چالش های فنی و نیاز به نیروی کار ماهر و اضافی و مسائل مرتبط با علف هرز را دلایل اصلی عدم توسعه کشاورزی ارگانیک عنوان کردند. سمائی (۲۲)، نیل و همکاران (۱۹) و یعقوبی و جوادی (۲۴) اظهار کردند کنترل آفات و علف های هرز ناشی از عدم استفاده از سموم شیمیایی و کسب تجربه مدیریت مزرعه بدون کاربرد کودهای شیمیایی نیازمند مهارت های فنی و مدیریتی بیشتری است. علاوه بر این موارد، نادعلی و رنجبر (۱۶) و خالدی (۷) نیز به کارگیری تکنولوژی های مناسب و تکنیک های مدیریتی صحیح در راستای تولید کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست و در جهت افزایش بهره وری و سوددهی را عوامل مهم توسعه کارآفرینی سبز دانستند. گویه های مربوط به این عامل شامل نیاز به مدیریت و نگهداری بیشتر و مناسب تر تولید محصولات سبز در کشاورزی،

اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال بیست و ششم، شماره ۱۰۱

عدم تولید و عرضه کافی حشرات و موجودات مورد نیاز برای مبارزه بیولوژیک، مشکلات کنترل آفات و امراض محصولات به علت عدم استفاده از سموم شیمیایی و تولید و عرضه ناکافی محصولات سبز به نسبت رشد جمعیت هستند.

موانع ترویجی و آموزشی دیگر مانع شناسایی شده در این پژوهش بود. نتایج تحقیقات لکاس و کامن (۱۲) و ریموند و همکارانش (۲۱) نیز بر ضرورت دانش و اطلاعات برای توسعه کارآفرینی سبز (از جمله کشاورزی ارگانیک) در بین کشاورزان تأکید می‌کنند. در این رابطه یعقوبی و جواد (۲۴) در مطالعه خود نشان دادند فقدان حمایت کافی دولت و سازمان‌های مربوطه در تشکیل کلاس‌ها و مراکز آموزشی جهت آشنایی و ترویج کارآفرینی سبز مانعی مهم در پذیرش و توسعه کارآفرینی سبز به شمار می‌رود. متغیرهای مربوط به این عامل عبارت بودند از: پایین بودن سطح آگاهی و آشنایی مصرف‌کنندگان در مورد محصولات سبز، پایین بودن سطح دانش و اطلاعات کارشناسان کشاورزی در زمینه توسعه کارآفرینی سبز، عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه تولید و مصرف محصولات سبز و عدم آشنایی با فناوری تولید محصولات سالم.

با توجه به موانع شناسایی شده، در راستای بسترسازی و فراهم‌سازی یک محیط حمایتی برای توسعه کارآفرینی سبز در بخش کشاورزی می‌توان سازوکارهای زیر را پیشنهاد داد:

با توجه به اینکه اصلاح سیستم نظارت و ارزیابی بر توسعه کارآفرینی سبز تأثیر مثبت و معنی‌داری می‌گذارد، لذا اصلاح و تعدیل مقررات و ساختار سازمانی و حرکت به سمت ساختارهای سازمانی - که از ویژگی‌های آن وجود روابط غیررسمی و تصمیم‌گیری غیر متمرکز با مشارکت کارکنان می‌باشد - زمینه مناسب برای بروز رفتارهای کارآفرینی از سوی اعضا فراهم می‌شود. همچنین مؤسسات آموزشی اعم از دبیرستان‌ها، مراکز آموزش حرفه‌ای، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها باید آموزش‌های لازم در جهت توسعه کارآفرینی سبز و فرهنگ‌سازی در این زمینه را دستور کار خود قرار دهند. اعطای تسهیلات تشویقی به کشاورزان فعال در حوزه تولید محصولات ارگانیک می‌تواند به افزایش عملکرد آنان (در واحد سطح و کل

شناسایی موانع توسعه

تولید) منجر شود. فراگیر شدن مراکز مالی حامی کارآفرینان در سراسر کشور و پشتیبانی و قبول بخشی از خطر سرمایه‌گذاری مؤسسات و مراکز مسئول توسعه فناوری با ساز و کار مناسب دولتی نیز در این باره پیشنهاد می‌شود.

منابع

1. Cohen, B. and Winn, M. I. (2007). Market imperfections, opportunity and sustainable entrepreneurship. *J Bus Venturing*, 22: 29-49.
2. Clantarie, Kh. (2006). Processing and analysis of data in socio-economic research. Tehran: Sharif Publications. (Persian)
3. De Buck, A. J., Rijn, N. and Roling, G. (2001). Farmers reasons for changing or not changing to more sustainable practices: an exploratory study of arable farmers in the Netherlands. *The Journal for Agricultural Extension and Education*, 7(3): 153-166.
4. Ghafouri, H. (2015). Identifying the potential of green jobs in Guilan province. Proceedings of the First National Conference of Green Workers and Professionals. (Persian)
5. Hasheminejad, A. and Rezvanfar, A. (2010). Agricultural barriers and problems in terms of organic producers in Ravansar, Kermanshah Province, Oral Collection the first congress on fertilizer challenges in Iran: half a century of fertilizer use. (Persian)
6. Khaledi, M. and Amjadi, A. (2011). Investigating the motivations and barriers to organic farming: lessons from the experience of other countries.

Proceedings of the Second National Conference on Sustainable Rural Development, Hamedan, Bu-Ali Sina University. (Persian)

7. Khalidi, M. and Washin, S. (2007) Attitudes of common farmers about the barriers and incentives for organic farming. Proceedings of the Second National Conference on Ecological Agriculture of Iran. Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan. (Persian)

8. Khalaji, F., Danesh Shahraki, A. and Ghajaavand, A. (2011). Organic farming is a way towards healthy food production. The Collection of Articles by the Iranian Organic Food and Organic Festival of Iran, 59. (Persian)

9. Klain, P. (2001). Easy guide to translating factor analysis. Sadr Sadat and Others. Tehran: Semat Publication. (Persian)

10. Kubota, N. (2014). Green employment. A Literature Survey for the Ministry of Environment, Japan.

11. Lukas, M. and Cahn, M. (2008). Organic agriculture and rural livelihoods in Karnataka, India. 16th IFOAM Organic World Congress, Modena, Italy, At <http://organits.org/view/projects/conference.html>.

12. Lu, CD., Gangi, X. and Kawas, JR. (2010). Organic goat production, processing and marketing: opportunities, challenges and outlook. *Small Ruminant Research*, 89(3): 102-109.

13. Mafi, H. (2008). Organic agriculture (Sustainable Agricultural Foundations). Available at: <http://www.crop.blogky.com>.

شناسایی موانع توسعه

14. Mehdipour, F. (2015). Identifying the key factors of green business development based on the experiences of leading countries. Proceedings of the First National Workshop on Green Jobs, 384-393. (Persian)
15. Mulahossini, F. (2011). Producing healthy products in Iran, challenges and solutions. Proceedings of the 3rd Festival of Natural and Organic Food Products, Iran, 231-221. (Persian)
16. Nade Ali, H. and Ranjbar, A. (2011). Organic agricultural development in the country. The First National Conference on Strategies for Achieving Sustainable Agriculture. Payam Noor University of Khuzestan Province. (Persian)
17. Narayanan, S. (2005). Organic farming in India relevance, problems and constraints. Department of Economic Analysis and Research National Bank for Agriculture and Rural Development.
18. Nikolaoua, E.I., Ierapetritis, D. and Tsagarakis, K.P. (2011). An evaluation of the prospects of green entrepreneurship development using a SWOT analysis. *International Journal of Sustainable Development and World Ecology*, 18(1): 1-16.
19. Nill, J. and Kemp, R. (2009). Evolutionary approaches for sustainable innovation policies. *Resour Policy*, 38(3): 668-680.
20. Polonsky, M. J. (2011). Transformative green marketing: impediments and opportunities. *Journal of Business Research*, 64(12):1311-1319.
21. Raymond, N.F., Svendsen, E. and Campbell, L.K. (2013). From job training to green jobs:a case study of a young adult employment program centered on

environmental restoration in New York City, USA. *Journal of Urban Forestry & Urban Greening*, 12(2): 287-295.

22. Samaei, M. (2009). Investigating the status of organic crop production, problems and providing solutions to support and promote organic agriculture. Second National Conference on Ecological Agriculture, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources. (Persian)

23. Shafiy Rodposhti, M., Torahi, M.F. and Norbakhsh. H. (2012) Green recovery and environmental incentives for the automotive industry to protect the environment. Second Conference on Environmental Planning and Management. (Persian)

24. Yaghubi, J. and Javadi, A. (2013). Obstacles to organic products from the viewpoint of Agricultural Jihad experts. *Journal of Agricultural Science and Sustainable Production*, 24(1): 44-62. (Persian)